

بررسی نهاد داوری در انگلستان

آیین خضری عزیزی فر

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه Sussex انگلستان

نام نویسنده مسئول:

آیین خضری عزیزی فر

چکیده

همان گونه که اغلب مردم آگاهند، اقامه دعوی وسیله‌ای است برای حل و فصل اختلاف از طریق ارجاع آن به یک یا چند قاضی دادگاه. راه دیگری که برای حل و فصل اختلاف وجود دارد، ارجاع آن به داوری است.

برای بعضی از افراد ماهیت و نقش داوری در حل و فصل اختلافات کاملاً واضح و روشن نیست و بنابراین ضرورت دارد توضیحاتی در زمینه معنای این اصطلاح داده شود. با توجه به اصلی که داوری بر آن استوار است می‌توان آن را به یکی از صور زیر تعریف کرد:

الف - رسیدگی حقوقی بر مبنای درخواست طرفین برای تشخیص، اعلام و اجرای حقوق و تکالیف آنها.

ب - رسیدگی حقوقی متکی بر قانون موضوعه که با توجه به قلمرو قانون مربوطه صورت می‌گیرد. علاوه بر داوریه‌های خاص، گاهی داوری دارای قانون است که موارد، نحوه برگزاری داوری، احکام و آثار و ابعاد آن را مشخص می‌کند. مثلاً در ایران باب هشتم قانون آیین دادرسی مدنی راجع به داوری است. منظور از رسیدگی حقوقی متکی بر قانون موضوعه این قبیل داوری‌ها است. -

ج - رسیدگی غیرحقوقی برای تشخیص و اعلام (نه اجرای) آنچه که به نظر مرجع صالح، محکمه، داور و یا سرداور، حقوق و وظایف هر یک از طرفین را (برای مثال در اختلافات تجاری) تشکیل می‌دهد.

مثلاً مطابق حقوق انگلستان، چنین توافقهایی را نمی‌توان براساس قوانین داوری حل و فصل نمود، بلکه تنها راهی که در این حالت وجود خواهد داشت، مراجعه به دادگاه مطابق قواعد کلی «کامن‌لا» است، که به دلایل واضح می‌تواند کار بسیار دشواری باشد.

حداقل شرایط لازم برای یک موافقتنامه داوری معتبر و قابل اجرا، به‌طور موجز در بخش ۳۲ قانون داوری سال ۱۹۵۰ انگلستان به این صورت آمده است: «یک توافق کتبی برای ارجاع اختلافات فعلی یا آتی به داوری، چه یک داور مشخص تعیین شده باشد یا خیر.» این مسئله در بخش ۷ (۱) قانون سال ۱۹۷۵ و بخش ۷ (۱) قانون سال ۱۹۷۹ نیز مورد تأکید قرار گرفته و البته تا حدودی نیز تغییر داده شده است.

واژگان کلیدی: داوری، انگلستان، حقوق حاکم بر داوری

مقدمه

داور در لغت اسم خداست و همچنین به معنی رسیدگی نیز می باشد.^۱ در اصطلاح داوری عبارت است از حکمیت^۲ یا فصل خصومت توسط یک یا چند نفر نه به طریق فصل خصومت قضات دادگاه های رسمی.

کنفرانس ۱۹۰۷ لاهه، داوری را آیینی دانسته که کشورها براساس آن اختلافشان را براساس احترام به قواعد حقوقی به قضات برگزیده خود احاله میدهند، داوری در واقع رسیدگی به اختلافات توسط داور منتخب طرفین و براساس موازین حقوقیست، داوری، در تجارت بین المللی نقش قابل توجهی دارد، در اغلب قراردادهای تجارتی، شرط رجوع به داوری پیش بینی شده است که هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد به وسیله داوری فیصله خواهد یافت. در یونان باستان، داوری میان دولت - شهرها و نه براساس قانون به معنای متداول موضوعه آن، بلکه براساس دین بود. در قرون وسطی و سطره گفتمان مذهبی، به دلیل تحمیل آرا و عقاید مذهبی، رفع اختلافات میان امیران در محضر پاپ صورت میگرفت با ظهور رنسانس و انقلاب صنعتی و پای به عرصه نهادن گفتمان آنگلو ساکسونی سازش، فتح بابی دیگر در عرصه داوری صورت گرفت و آنگلو ساکسونها، در اقدامات خویش به ویژه در پیمان جی در ۱۷۹۴ به توسعه آیین مذکور همت گماردند. این پیمان میان ایالات متحده امریکا و بریتانیا کبیر انعقاد یافت. استفاده از نهاد داوری و گرایش به داوری های بین المللی برای حل و فصل اختلافات تجاری گسترش فوق العاده ای یافته است و امروزه کاربرد آن به حدی ازدیاد یافته که کمتر قرارداد تجاری بین المللی را میتوان یافت که حل و فصل اختلافات در مورد آن به داوری ارجاع نشده باشد. بدیهی است اگر این اختلافات با شیوه های مناسب و سریع رسیدگی نشود پیامدهای زیانبار فراوانی از جمله: اتلاف وقت، توقف سرمایه در گردش و ورود خسارت برای طرفین میشود. همچنین ماده ۳۷ عهدنامه ۱۹۰۷ لاهه در زمینه حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی^۳ به داوری به عنوان روشی برای حل و فصل اختلافات میان دولت ها اشاره دارد^۴

کلیات داوری

داوری^۵ به عنوان نهادی جایگزین دادگاه های دولتی، با سابقه دیرین در صدد بازکردن جایگاه ویژه و مخصوص به خود در مقررات و آیین نامه های رسیدگی داخلی و بین المللی است.

داوری عبارات است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی.^۶ داوری یا حکمیت به طور کلی توافقی است بر ایجاد یک روش مرض الطرفین برای حل اختلافات میان دو شخص که جانشین حل و فصل اختلافات از طریق مراجعه به دادگاه گردد.^۷ همچنین دو بیت زیر از دو غزل حافظ معنای "داور" و "داوری" را به روشنی بیان میکند

گویا باور نمیدارند روز داوری کاین همه قلب و دغل در کار "داور" میکنند
یکی از عقل می لافد، یکی طامات میبافد بیا کاین "داوری" ها را به پیش "داور" اندازیم

داوری به فرایندی اطلاق می شود که طرفین اختلاف به فرد یا افراد ثالثی اختیار و صلاحیت می بخشند که به اختلاف یا اختلافات مورد نظر رسیدگی کرده و همانند قاضی آن ها را فیصله داده و رای لازم الاجرا صادر نماید.^۸ امروزه یکی از مهمترین دلایل مراجعه به داوری برای خاتمه اختلافات، موضوع تخصصی شدن دعاوی و اختلافات ناشی از قراردادها میباشد به طوری که نظام قضایی به تنهایی پاسخگوی این نیاز نمی باشند و همچنین در یک قرارداد، طرفین اعتماد کامل به سیستم قضایی طرف مقابل ندارند زیرا ممکن است این تصور پیش آید که دادگاه کشور مقابل در صورت رسیدگی به دعوا جانبدارانه حکم صادر نماید.^۹ همانطور که اشاره کردیم اگر اختلافی در خصوص یک رابطه معین اعم از قراردادی یا غیرقراردادی به وجود آید به داوری ارجاع میشود که طرفین توافقی بین خودشان دارند که موافقت نامه اداری نام

^۱- وفایی، منصور، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، انتشارات مجد، ۱۳۹۵، صفحه ۶۱

^۲- حکمیت یکی از شیوه های حل اختلاف بدون محاکمه و خارج از دادگاه است که در آن طرفین میپذیرند به فرد یا افرادی به عنوان حکم مراجعه کنند و تسلیم قضاوت آنها شوند

^۳- پاشا بنیاد، موسی، داوری، انتشارات نگاه بینه، ۱۳۹۳، صفحه ۱۶

^۴- The Hague convention for the pacific settlement of international disputes (1907)

^۵- کنوانسیون های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، مجموعه ای از معاهدات و اعلامیه های بین المللی حاصل مذاکرات دو کنفرانس صلح بین المللی انجام شده در لاهه هلند است اولین کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ و دومین کنفرانس لاهه در سال ۱۹۰۷ تشکیل شد

^۶- Arbitration

^۷- جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶، صفحه ۲۸۳

^۸- مافی، همایون، حقوق بین الملل خصوصی و داوری، انتشارات مجد، ۱۳۹۲، صفحه ۱۸۷

^۹- انصاری، پرویز، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات میزان، ۱۳۸۷، صفحه ۲۳۴

^{۱۰}- شیروی، عبدالحسین، داوری تجارت بین الملل، انتشارات سمت، ۱۳۹۱، صفحه ۷

^{۱۱}- تمجیدی، لادن، داوری بین المللی، نشر فرهنگ شناسی، ۱۳۹۰، صفحه ۱۷

دارد، موافقت نامه اداری ممکن هست یا به صورت شرط داوری در یک قرارداد یا به صورت موافقت نامه جداگانه باشد که باید به صورت کتبی باشد.^۱

با توسعه تجارت بین الملل و جهانی شدن اقتصاد، داوری به عنوان روشی جهت حل و فصل اختلافات تجاری بین المللی به سرعت رشد پیدا کرد به نحوی که امروزه کمتر می توان موردی پیدا کرد که در یک قرارداد مشارکت در سرمایه گذاری، انتقال فناوری و غیره داوری پیش بینی نشده باشد.

در روابط بازرگانی حل و فصل اختلافات ممکن است از طریق سازش یا مراجعه به محاکم قضایی یا سازش و با ارجاع به داوری صورت پذیرد.^۲

در هر یک از نظام های حقوقی داخلی مقرراتی منظم راجع به داوری موجود است که یا به صورت جزئی از یک مجموع قانون تدوین شده است، مثلاً در ایران و فرانسه مواد مربوط به داوری، بخشی از قانون آیین دادرسی مدنی را تشکیل میدهد در حالی که در انگلستان قانون به خصوصی برای داوری اختصاص داده شده است.^۳

باید به این نکته اشاره داشت که موضوع قبول داوری بین المللی در برخی از کشورها به طور مطلق مورد پذیرش است اما بعضی از کشورها آن را رد کرده اند، از میان کشورهایی که داوری بین المللی را بدون قید و شرط خاص می پذیرند میتوان به انگلستان و بلژیک اشاره نمود که از دیرباز داوری بین المللی را قبول کرده است.^۴

در خصوص اختیار دولت و سازمانهای دولتی در ارجاع به داوری بین المللی، در انگلستان قبل از قانون موسوم به State Immunity Act قبول داوری به وسیله دولت دلیل عدول وی از مصونیت قضایی محسوب نمیشد، مگر بعد از بروز نزاع. راه حل قانون فعلی در این خصوص متفاوت است یعنی چه قبل و چه بعد از بروز نزاع، قبول داوری از ناحیه دولت امضا کننده ی قرارداد به منزله عدول از مصونیت قضایی محسوب میشود، اما انتخاب قانون انگلیس به عنوان قانون حاکم بر قرارداد به معنی انتخاب صلاحیت دادگاه های انگلستان نیست بلکه این نکته باید صراحتاً در قرارداد قید شده باشد.^۵

طبق حقوق انگلستان، قانونی بر قرارداد حاکم است که طرفین آن را قصد کرده اند و اگر آنان چنین قصدی نداشته باشند، قانونی حاکم خواهد بود که بیشترین رابطه را با قرارداد دارد، این قانون به طور مختصر قانون مناسب قرارداد نامیده میشود که این قانون با مراجعه به یک سیستم حقوقی و نه یک کشور خاص به طور قطعی تعیین میگردد.^۶

از آنجا که هر داوری باید دارای یک جایگاه محلی باشد، داوری فاقد محل معین در حقوق انگلستان پذیرفته نشده است، با وجود این، بیان مزبور نباید باعث برداشت غلط شود اگر طرفین قواعد داوری آنیسترال را انتخاب کرده باشند، برای مثال بر طبق قواعد دیوان داوری اتاق بازرگانی بین المللی توافق کرده باشند، یک مجموع مقررات عملاً جامع و کامل آیین داوری اعمال میشود و نیاز به ارجاع مقررات آیین رسیدگی محلی مکان تشکیل جلسه رسیدگی فقط در صورتی مطرح میشود که مجموع مقررات مزبور دارای خلایهائی باشد یا هر یک از مقررات آن قابل اعمال نباشند، نیازی نیست محلی که در آن عملاً داوری برگزار میشود جایگاه داوری باشد.^۷

در انگلستان، مهلت مرور زمان در قانون مرور زمان (۱۹۸۰) تعیین شده است. در یک بیان کلی مهلت مرور زمان در دعاوی مربوط به یک قرارداد غیر رسمی، شش سال پس از وقوع علت دعا و در دعاوی مربوط به یک سند رسمی، دوازده سال پس از تاریخ آن است، البته در مورد دعاوی ناشی از مسئولیت مدنی یا تقلب مقررات خاصی اعمال میگردد.^۸ در حقوق بین الملل خصوصی انگلستان، مرور زمانهای دعاوی به عنوان موضوعی مرتبط با قواعد شکلی طبقه بندی میشوند. اما در بسیاری از سیستمهای حقوقی خارجی قسمتی از حقوق ماهوی را تشکیل میدهد، به این خاطر برای رفع بی عدالتی ها مربوط به مدت متفاوت مرور زمان در بین این دو قواعد، پارلمان قانون مهلت های مرور زمان خارجی (۱۹۸۴) را وضع کرد که از اول اکتبر ۱۹۸۵ به اجرا در آمد.^۹

۱-ر.ک:همین کتاب؛ صفحه ۱۱۳

۲-عرفانی، محمود، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹، صفحه ۲۸۹

۳-اسکینی، ربیعا، مباحثی از حقوق تجارت بین الملل، انتشارات نشر دانش، ۱۳۷۱، صفحه ۱۱۳

۴-ر.ک:همین کتاب؛ صفحه ۱۵۳

۵-ر.ک:همین کتاب؛ صفحه ۱۷۰

۶-اشمیتوف، کلائیوم، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات سمت، ۱۳۷۸، صفحه ۳۲۸

۷-ر.ک:همین کتاب؛ صفحه ۳۴۵

۸-ر.ک:همین کتاب؛ صفحه ۳۴۶

۹-ر.ک:همین کتاب؛ صفحه ۳۴۸

شرط داوری

معنی اصل استقلال شرط داوری این است که بطلان، فسخ یا بی اعتباری و غیر قابل اجرا بودن قراردادی که شرط داوری در آن آمده یا به صورت جداگانه منعقد شده به شرط داوری سرایت نمیکند و این امتیاز را دارد که اراده طرفین مبنی بر رفع اختلاف از طریق داوری با هر علتی مجبور به مراجعه به دادگاه نخواهند بود و در صورت بطلان، فسخ یا بی اعتباری و غیر قابل اجرا بودن قرارداد داوری، داور میتواند در مورد اختلاف طرفین اظهار نظر کند، در واقع از بدنه اصلی قرارداد جدا بوده و به صورت یک توافق مستقل ظاهر میشود، اخیراً استقلال شرط داوری توسعه یافته و به اصل فراملی حقوق بین الملل تجاری تبدیل شده است.^۱

استقلال یا جدایی پذیرش شرط داوری با رعایت بعضی محدودیت ها از سال ۱۹۴۲ به بعد مورد قبول قانون انگلستان قرار گرفته است که مخلوق رویه قضایی و رژیم حقوقی کامن لو است، همچنین دیوان داوری بین المللی لندن^۲ که به قواعد ال.سی.آی.ای مشهور است، دادگاه به معنای قضایی آن نمیشد، بلکه قدیمی ترین موسسه داوری در قرن نوزدهم محسوب شده که وظیفه نصب دیوان ها، بررسی چالش ها در مورد دواران و کنترل هزینه ها را بر عهده دارد و تحت نظر مشترک شهرداری، مرکز پولی-مالی لندن، اتاق بازرگانی و نیز انجمن دواران خبره^۳ اداره میشود اگرچه این موسسه در لندن است اما در هرجایی که طرفین انتخاب کنند قابل اجرا است.^۴

امروزه تمایل فراوانی در اکثر کشورها از سیستم های مختلف حقوقی از جمله کامن لو، رومی ژرمنی و سوسیالیست شرط داوری مستقل از قرارداد اصلی که شرط در آن درج شده در نظر میگیرند که راه و روش هر یک از این کشورها متفاوت میباشد. یکی از قضایایی که نزد دیوان بین المللی اقامه و موضوع شرط داور در آن مطرح شد قضیه شرکت نفت ایران و انگلستان است در قرارداد فی مابین شرط ارجاع کلیه اختلافات راجع به هر موضوعی به خصوص در ارتباط با تفسیر قرارداد، امتیاز، حقوق و تعهدات طرفین به داوری وجود داشت، بر این اساس شرکت تقاضی ارجاع اختلاف را به داوری نمود اما ایران ادعا نمود که ملی شدن نفت در ایران قابل ارجاع به داوری نیست، دولت انگلستان در مقابل دیوان بین المللی به طرفیت ایران طرح دعوا نمود و ادعا کرد که تعهد به داوری مذکور در قرارداد اولیه به اعتبار خود باقی است حتی اگر ابطال یک جانبه قرارداد قانونی محسوب شود، دیوان به علت عدم صلاحیت وارد رسیدگی به این موضوع نشد اما قاضی کارنیور در نظریه خود اظهار کرده بود که ایران با توجه به بند ۲۲ موافقتنامه مبنی بر ارجاع کلیه اختلافات مربوط به حقوق و وظایف طرفین و حتی تفسیر قرارداد از تعیین داور خودداری نموده و ارجاع اختلاف داوری را قبول ندارد در حالی که ملی کردن نفت در ایران نمیتواند مانع اعمال صلاحیت دیوان داوری ذکر شده در قرارداد شود، نظر قاضی کارنیور میتواند حداقل به عنوان نظر اکثریت اعضای دیوان مقبول واقع گردد. اصل استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی نشان میدهد که این اصل در حد وسیعی در سیستم های حقوق داخلی کشورها پذیرفته شده و همچنین مورد تایید دواران قرار گرفته است.^۵

داوری در حقوق انگلستان

داوری در حقوق انگلستان، تابع حقوق عرفی، چهار قانون موضوعه داوری ۱۹۷۹، ۱۹۷۵، ۱۹۵۰ و قانون موافقتنامه داوری مصرف کننده مصوب ۱۹۸۸ بود که با تصویب قانون داوری ۱۹۶۶، سه قانون قبلی و همچنین فصل اول و بند ۳ از بخش ۴۲ قانون داوری ۱۹۵۰ نسخ گردید، به منظور تبیین و توسعه قانون داوری طبق موافقتنامه داوری در جهت صدور دیگر مقررات داوری، رای داوری و نیز کلیه مسایل مربوط که توسط ملکه انگلستان و با مشاوره و توصیه اعضای مجلس سنا و نمایندگان مجلس قانون گذاری انگلستان، گرد آوری و تصویب شده است.^۶ قانون داوری ۱۹۶۶ انگلستان تعریفی از داوری ارائه نکرده اما هدف از داوری را رسیدن به حل منصفانه اختلافات توسط یک هیات بی طرف بدون هزینه و تاخیر بیان کرده است.^۷

در نظام حقوقی انگلستان و کلا در نظام کامن لو، با غلبه بخشیدن به جنبه قرارداد داوری، ارایه داوری را در حکم قرارداد تلقی میکنند، بدین ترتیب که رای داور مانند تعهدی است که ناشی از قرارداد بوده و بر عهده محکوم علیه است در واقع میتوان گفت صلاحیت داور از موافقتنامه طرفین داوری نشأت میگیرد، در قانون انگلستان نیز راجع به داوری، تفاوت هایی بین قوانین وجود داشت، قانون داوری ۱۹۵۰ که

^۱-Schwebel, Stephen, Myron, International Arbitration: Three salient problems, Grotius, Cambridge, 1987, P132

^۲-London Court of international arbitration or LCIA

^۳-Association of chartered arbitrators

^۴-پیشین، صفحه ۹۷

^۵-پیشین، صفحه ۶۸

^۶-شیخ محمدی، مرضیه، استقلال شرط داوری، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲، صفحه ۱۵

^۷-Part I-Arbitration pursuant to an arbitration agreement 1. General principles (a): "the object of arbitration is to obtain the fair resolution of disputes by an impartial tribunal without unnecessary delay or expense..."

راجع به داوری داخلی بود، در خصوص ارجاع داوری توسط دادگاه از کلمه may استفاده کرده که بیانگر اختیار دادگاه است در حالی که در قانون ۱۹۷۵ در داوری های غیر داخلی، در بند ۱ ماده ۱ به تبع از کنوانسیون نیویورک، از کلمه "باید" استفاده کرده بود. در هر حال در قانون داوری ۱۹۹۶ که نسخ قانون های قبلی است به طور کلی ارجاع اختلاف به داوری توسط دادگاه را اجباری اعلام کرده است.^۱

حقوق حاکم بر داوری

انگلستان در قرن نوزدهم بزرگترین کشور صنعتی و مرکز تجاری جهان بود این گسترش و قدرت سازماندهی تجاری انگلستان موجب شد که به داوری به دید دیگری نگاه شود، در انگلستان دو رژیم متفاوت داوری از سال ۱۸۸۹ بوجود آمده است، داوری سنتی بر طبق اصول کامن لو و داوری طبق قانون موضوعه جدید وارد شده است که البته میتوان بین این دو تفکیک قایل شد در داوری سنتی، قرارداد الزام آور است و برای رهایی از قرارداد اجازه دادگاه لازم است و این اجازه در موارد خیلی استثنایی داده میشود، اما در درجه دوم قانون در داوری متضمن مقررات تکمیلی است که در صورت عدم توافق طرفین اجازه تشکیل دادگاه داوری را میدهد. با وجود این در انگلستان هم در قانون داوری و هم در داوری بر طبق سیستم کامن لا اصل بر این قرار گرفته که داورها باید طبق قانون به دعوی رسیدگی نمایند قراردادی که این اصل را کنار گذاشته باشد اعتبار دارد ولی به عنوان قرارداد داوری معتبر نیست.^۲

روند تکاملی حقوق انگلستان در رابطه بین حقوق و داوری روشن و با توسعه ای که اخیراً به داوری قضات داده اند جالب توجه است، اکنون برای طرفین این امکان بوجود آمده است که در دعوی مطروحه به قاضی اجازه حل اختلاف به روش داوری دهند این امر به این معنا نیست که قاضی اقدام به صدور رای بر طبق انصاف خواهد نمود بلکه به این منظور است قاضی آزادی عمل در سازماندهی آیین دادرسی خواهد داشت و مجبور به رعایت آیین دادرسی و رای به دلیل طبق رسیدگی های عادی خویش نخواهند بود همچنین، قانون داوری انگلستان تا حد زیادی تشریفات اجرای رای داور را آسان نموده است، طبق رژیم کامن لو رای داور هم ارزش با قرارداد است و باید برای اجرای آن اقامه دعوی عادی نمود.^۳ لازم به ذکر است، آیین دادرسی در حد وسیعی توسط خود داور تنظیم میشود.

همچنین مسایل ناشی از تجارت بین المللی مانند بروز اختلافات و دعاوی و نحوه حل و فصل آنها از طریق ارجاع به داوری های موردی یا نهادی و قواعد حاکم بر آنها و شناخت نهادهای داوری بین المللی و مسایل متفرع دیگر مباحث مستقلى را در تجارت بین المال به خود اختصاص داده است که در مباحث مربوط به خود مورد بررسی قرار گرفته است.

در کشورهای پادشاهی انگلستان و کشور تحت الحمایه آن با صراحت اعلام شده است که داوران باید با رعایت قواعد حقوق داوری نمایند، قراردادی که طرفین آن داوران را از رعایت قواعد حقوقی معاف نمایند اعتبار ندارد اما تحولی در این خصوص رخ داده است، در رایى که در سال ۱۹۸۷ صادر شده قاضی انگلیسی بدون تردید اعلام مینماید که حل اختلاف براساس انصاف کاملاً منطقی است و مانع اعمال کنترل دادگاه نیست بلکه فقط قواعدی فنی و تفسیرهای محدود کننده را از میان بر میدارد. همچنین باید اشاره کرد به این نکته، در انگلستان چون مجموعه منسجمی از قوانین آیین دادرسی مدنی وجود ندارد لذا قواعد رسیدگی دیوان عالی از قواعد دادگاه بخش و قواعد دادگاه های اداری متفاوت است در نتیجه در رابطه با روش رسیدگی داوری که قابل تفکیک از مسایل مربوط به رای به دلیل است، داوران آزادی عمل وسیعی دارند.^۴ همچنین میتوان اظهار داشت که در سیستم کامن لا داوری رژیم واحدی ندارد.

خلاصه

در خصوص قانون حاکم بر داوری ذکر این نکته ضروری است که در قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان، روی قانون مقر داوری تاکید دارد که به موجب آن حتی در صورتی که قانون دیگری برای اعمال بر روند داوری طرفین انتخاب شود داوری نمیتواند بر خلاف مقررات امری قانون داوری انگلستان پیدا کند.^۵

^۱ - شیخ محمدی، مرضیه، استقلال شرط داوری، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲، صفحه ۲۵

^۲ - خزاعی، حسین، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲، صفحه ۱۶۰

^۳ - ر.ک: همین کتاب، صفحه ۱۶۱

^۴ - ر.ک: همین کتاب، صفحه ۲۹۵

^۵ - شیروی، عبدالحسین، داوری تجاری بین المللی، انتشارات سمت، ۱۳۹۵، صفحه ۲۱۵

منابع و مراجع

- [۱] وفایی، منصور، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، انتشارات مجد، ۱۳۹۵، صفحه ۶۱
- [۲] پاشا بنیاد، موسی، داوری، انتشارات نگاه بینه، ۱۳۹۳، صفحه ۱۶
- [3] The Hague convention for the pacific settlement of international disputes(1907)
- [۴] کنوانسیون های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، مجموعه ای از معاهدات و اعلامیه های بین المللی حاصل مذاکرات دو کنفرانس صلح بین المللی انجام شده در لاهه هلند است، اولین کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ و دومین کنفرانس لاهه در سال ۱۹۰۷ تشکیل شد
- [۵] -Arbitration
- [۶] جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶، صفحه ۲۸۳
- [۷] مافی، همایون، حقوق بین الملل خصوصی و داوری، انتشارات مجد، ۱۳۹۲، صفحه ۱۸۷
- [۸] انصاری، پرویز، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات میزان، ۱۳۸۷، صفحه ۲۳۴
- [۹] شیروی، عبدالحسین، داوری تجارت بین الملل، انتشارات سمت، ۱۳۹۱، صفحه ۷
- [۱۰] تمجیدی، لادن، داوری بین المللی، نشر فرهنگ شناسی، ۱۳۹۰، صفحه ۱۷
- [۱۱] عرفانی، محمود، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹، صفحه ۲۸۹
- [۱۲] اسکینی، ربیعا، مباحثی از حقوق تجارت بین الملل، انتشارات نشر دانش، ۱۳۷۱، صفحه ۱۱۳
- [۱۳] اشمیتوف، کلاپوم، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات سمت، ۱۳۷۸، صفحه ۳۲۸
- [14] Schwebel, Stephen, Myron, International Arbitration :Three salient problems, Grotius, Cambridge, 1987, P132
- [۱۵] شیخ محمدی، مرضیه، استقلال شرط داوری، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲، صفحه ۱۵
- [۱۶] خزاعی، حسین، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲، صفحه ۱۶۰